

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

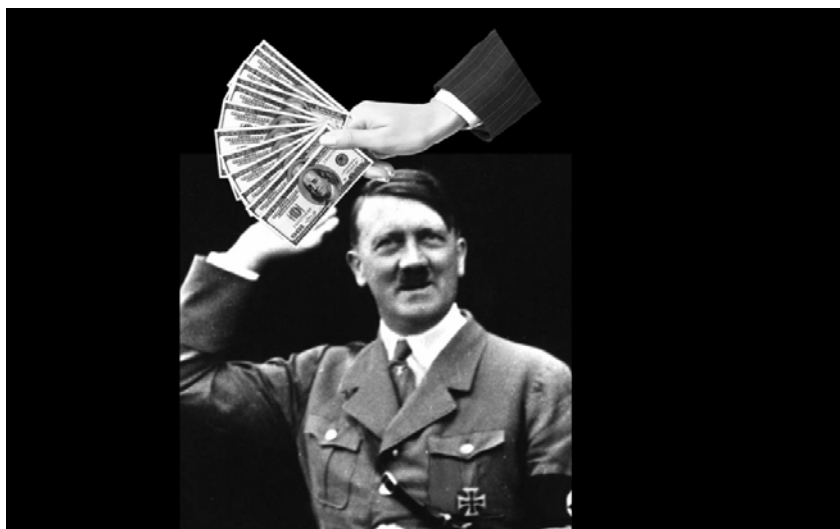
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هوشمند انوشه
۲۲ دسمبر ۲۰۲۱

نقش کلان سرمایه‌داران در به قدرت رسیدن فاشیسم هیتلری



این مطلب نشان دهنده نقشی است که کلان سرمایه‌داران و صاحبان صنایع آلمان با کمک‌های مالی و نفوذ خود در به قدرت رسیدن هیتلر ایفا کردند.

جنایات هیتلر و نازی‌های آلمان بر کسی پوشیده نیست. نازی‌ها جنایات زیادی در خود آلمان در حق یهودیان، احزاب سیاسی و هنرمندان دگراندیش، سازمان‌های کارگری و انواع اقلیت‌ها مرتکب شدند. علاوه بر آن، هیتلر مسئول کشتار بیش از ۷۰ میلیون نفر در طول سال‌های جنگ جهانی دوم بوده است. سهم بزرگی از این قربانیان- بیش از ۲۷ میلیون کشته- مربوط به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود.

پس از سرنگونی رژیم نازی و پایان جنگ جهانی دوم کتاب‌ها و فیلم‌های بسیاری از دوران سیاه تاریخ آلمان و رژیم نازی تولید و منتشر شده است. هدف همه این نوشته‌ها و فیلم‌ها چه به صورت مستند و چه به صورت داستانی نشان دادن جنبه‌های مختلفی از ماهیت کریه این رژیم جنایتکار بوده است. نکته قابل توجه این است که تقریباً تمامی این آثار تنها به روایت جنایات این رژیم اکتفا کرده‌اند و کمتر به علل رشد و به قدرت رسیدن آن پرداخته‌اند. در این آثار هیتلر عموماً فردی دیوانه، روانی و یا ماجراجو قلمداد می‌شود و در این میان کمتر به چگونگی و عوامل مهم در به قدرت رسیدن او

پرداخته شده است. آثاری هم که علل به قدرت رسیدن هیتلر را بررسی می‌کنند بر عوامل سیاسی بسنده می‌کنند و عوامل اقتصادی و مالی را نادیده می‌گیرند. به منظور درک نقش کلان‌سرمایه‌داران در فراهم کردن امکانات برای هیتلر، در ابتداء مراحل به قدرت رسیدن وی را به صورت خلاصه مرور کنیم. فعالیت‌های هیتلر را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره نخست:

هیتلر ابتداء قصد داشت به طور قهرآمیز قدرت را در المان قبضه کند و به همین دلیل به کمک گروه کوچکی که گرد او جمع شده بودند، در سال ۱۹۲۳ در شهر مونیخ دست به یک کودتای ناموفق زد تا جمهوری وایمار را که توسط حزب سوسیال دموکرات اداره می‌شد، سرنگون کند. جمهوری وایمار نخستین نظام نسبتاً دموکراتیکی بود که پس از شکست المان در جنگ جهانی اول، سرنگونی سلطنت و سرکوب انقلاب ۱۹۱۸ به رهبری حزب سوسیال دموکرات تشکیل شده بود. پس از شکست کودتا، هیتلر دستگیر و محکوم به ۵ سال حبس شد. او در زندان زندگانی‌نامه خود را نوشت که بعدها تحت عنوان «نبرد من» انتشار یافت.

دوره دوم:

پس از آزادی از زندان، هیتلر در روش به قدرت رسیدن خود تجدید نظر کرد و به استفاده از نظام پارلمانی برای رسیدن به قدرت روی آورد. حزب نازی در انتخابات پارلمان در سال ۱۹۲۸ شرکت کرد و تنها توانست ۸/۲ درصد آراء را به دست آورد و فقط ۱۲ نماینده در پارلمان داشته باشد. ولی دور بعدی انتخابات برای هیتلر و حزبش سرنوشت‌ساز بود. در انتخابات بعدی در سال ۱۹۳۰ حزب نازی توانست به یک پیروزی غیرمنتظره دست یابد و با کسب ۳/۱۸ درصد آراء پس از حزب سوسیال دموکرات دومین فراکسیون بزرگ در پارلمان المان باشد. این پیروزی غیرمنتظره تخته پرشی شد برای مراحل بعدی در به قدرت رسیدن هیتلر. حزب نازی که پیش از این تنها یک جریان حاشیه‌ای به حساب می‌آمد و چندان جدی گرفته نمی‌شد، پس از این انتخابات به یکی از بازیگران اصلی در صحنه سیاست المان بدل شد.

دوره سوم:

در این دوره افزایش قدرت حزب نازی همچنان ادامه یافت و نازی‌ها توانستند با کسب ۳۳ درصد کل آراء در انتخابات نومبر سال ۱۹۳۲ به قوی‌ترین حزب و بزرگترین فراکسیون در پارلمان المان تبدیل شوند. در یک بحران سیاسی و پس از ریزنی‌های بسیار، رئیس‌جمهور وقت، جنرال هیندن بورگ، روز ۳۰ جنوری سال ۱۹۳۳ تصمیم گرفت تا حکم صدراعظمی هیتلر را تنفیذ کند. بدین ترتیب هیتلر و حزب او به هدف خود رسیدند و موفق شدند تمام قدرت و سرنوشت المان را به چنگ آورند؛ به جمهوری وایمار خاتمه دهند و نظام دیکتاتوری و فاشیستی مورد نظر خود را در المان حاکم سازند و آغازگر یکی از سیاه‌ترین دوران‌ها در تاریخ المان و بشریت شوند.

دلایل به قدرت رسیدن هیتلر البته متعدد است. شیوه‌های عوام‌فریبانه هیتلر در استفاده از نگرانی‌ها و دشواری‌های زندگی مردم در المان مسلماً نقش مهمی در روآوردن توده‌ها به او بازی کرد. در اینجا ما توجه‌مان را به یک عامل مهم یعنی نقش کلان‌سرمایه‌داران و صاحبان صنایع بزرگ در به قدرت رسیدن هیتلر معطوف می‌کنیم.

پرسشی که باید بدان پاسخ داده شود این است که هیتلر با کدام منابع مالی توانست حزب خود را گسترش دهد؟ هزینه تبلیغات برای انتخابات از چه منابعی تأمین می‌شد؟ مخارج گروه‌های بزرگ شبه‌نظامی و مسلح اس‌آ (AS) که شهرها

را ناامن می‌کردند و رژه‌های آن‌چنانی به راه می‌انداختند، از کجا می‌آمد؟ باید توجه داشت با آن که حزب نازی به منظور جلب کارگران و تضعیف احزاب چپ، در برنامه خود شعارهای عوام‌فریبانه با ظاهری ضد سرمایه‌داری گنجانده بود، ولی از همان روزهای نخست در پی جلب توجه و حمایت سرمایه‌داران بزرگ بود و برای پیشبرد این هدف همواره به ضدیت با بلشویسم و مارکسیسم تأکید داشت.

کمک‌های مالی به هیتلر در سال‌های نخست

ابتداء به معرفی یکی از کلان سرمایه‌دارانی می‌پردازیم که در سال‌های نخست فعالیت‌های هیتلر حمایت‌های مالی شایانی از وی به عمل آورد. این کلان سرمایه‌دار ارنست بورزیگ نام داشت. او صاحب کارخانجات بورزیگ در شهر برلین بود و به علت قدرت و نفوذ فراوان به ریاست اتحادیه کارفرمایان آلمان انتخاب شده بود. در سال ۱۹۱۰ نام بورزیگ در لیست ۶۰ نفر از ثروتمندترین افراد در پادشاهی پروس قرار داشت. بورزیگ به مانند بسیاری از اشراف و ثروتمندان آن روز آلمان، از ثروت خود برای کمک به جریان‌های ارتجاعی استفاده می‌کرد. پس از پایان جنگ جهانی اول که جامعه آلمان در اثر نتایج فاجعه‌بار جنگ دچار بحرانی عمیق شده بود، بورزیگ به گروه‌های شبه‌نظامی معروف به فرای کورپ کمک‌های مالی فراوانی می‌کرد. این گروه‌های شبه‌نظامی از سربازان و افسران ارتش شکست‌خورده آلمان تشکیل شده بود که از جبهه برگشته بودند و در دوران انقلاب سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ آلمان از سوی ارتجاع آلمان برای سرکوب و کشتار انقلابیون به کار گرفته می‌شدند. بورزیگ همچنین در سال ۱۹۱۹ نقش مهمی در ایجاد یک صندوق مالی ضد بلشویسم ایفا کرده بود.

سابقه آشنائی بورزیگ و هیتلر به سال ۱۹۱۹، یعنی اوایل فعالیت سیاسی هیتلر بازمی‌گشت. بورزیگ در باشگاه ملی برلین با هیتلر آشنا شد. این باشگاه توسط ثروتمندان برلین تأسیس شده بود و در اختیار روشنفکران و ثروتمندان با گرایش‌های سیاسی راست قرار داشت. نقش مرکزی را در این باشگاه آلفرد هوگن برگ Alfred Hugenberg ایفا می‌کرد. هوگن برگ یکی از بزرگترین سرمایه‌داران آن روز آلمان در صنایع سنگ آهن، صنایع اسلحه‌سازی و همچنین صاحب چندین روزنامه بود. روزنامه‌های متعلق به او نقش مهمی در تبلیغات ضد دموکراتیک علیه جمهوری وایمار ایفا می‌کردند. او خود کسی بود که نقش مهمی در به قدرت رسیدن هیتلر داشت. هیتلر چندین بار در این باشگاه برای ثروتمندان و سرمایه‌داران عضو این باشگاه سخنرانی کرد. یکی از محورهای اساسی سخنرانی‌های هیتلر، تأکید بر خطر بلشویسم برای آلمان بود. او هدف خود را به صورت خلاصه برای حاضران، نابودی جهان‌بینی مارکسیستی اعلام می‌کرد.

بورزیگ پس از آشنائی با هیتلر در این باشگاه بزودی رابطه بسیار نزدیکی با هیتلر برقرار کرد و برای او و حزبش کمک‌های مالی فراوانی از دوستانش در میان صاحبان صنایع جمع‌آوری کرد. بورزیگ که بسیار تحت تأثیر نظرات و اهداف هیتلر قرار گرفته بود، در ماه مارچ سال ۱۹۲۷ در طرفداری از حزب نازی‌ها در یکی از روزنامه‌های برلین چنین نوشت: «من فکر می‌کنم هیتلر فردی است که می‌تواند به کمک گروه خود احساس ملی‌گرایانه را میان کارگران بازسازی کند و بدین ترتیب فاصله‌ای را که میان اقشار مختلف ایجاد شده است، از میان بردارد.»

کلان سرمایه‌داران، از رشد آگاهی طبقاتی و مبارزات طبقه کارگر آلمان بسیار ناراضی بودند و به همین دلیل از بازسازی احساسات ملی‌گرایانه در میان کارگران که توسط هیتلر تبلیغ می‌شد، بشدت استقبال می‌کردند.

فعالیت‌های نازی‌ها البته از چشم مقامات آن روز المان دور نمی‌ماند. آنها این فعالیت‌ها را به دقت زیر نظر داشتند و در مورد آنها به طور مرتب گزارش‌هایی تهیه می‌کردند. در یکی از مکاتبات وزارت داخله ایالت بایرن المان در سال ۱۹۲۲ چنین آمده است:

«می‌توان گفت که حزب ناسیونال سوسیالیست کارگری المان (حزب هیتلر) نیازهای مالی خود را عمدتاً از طریق صاحبان صنایع بزرگ و کلان زمینداران تأمین می‌کند. انگیزه آنها برای این کار هم قابل فهم است. انگیزه آنها علاوه بر مقابله با بلشویسم همچنین ملغی کردن قانون هشت ساعت کار در روز است؛ همانطور که توسط موسولینی در ایتالیا انجام گرفت.»^۱

این جملات نیازی به توضیح اضافی ندارند و بروشنی دلیل هم‌سوئی کلان سرمایه‌داران را با هیتلر روشن می‌کنند. در اینجا باید از فرد دیگری نیز نام ببریم که در نخستین سال‌های فعالیت سیاسی هیتلر نقش مهمی در شناساندن او داشت. این فرد ارنست هانف‌اشتنگل Ernst Hanfstaengl نام داشت. او یک تاجر المانی آمریکائی بود که در آمریکا بزرگ شده و در دانشگاه هاروارد تحصیل کرده بود و به فعالیت‌های سیاسی نیز علاقه و اشتغال داشت. اشتنگل که خود به اقشار مرفه در شهر مونیخ تعلق داشت، در نخستین سال‌های فعالیت سیاسی هیتلر کمک‌های مالی مهمی به او کرد و مهم‌تر از همه او را با محافل ثروتمند و اشرافی المان آشنا نمود و برای او در این محافل تبلیغ کرد. به واسطه همین کمک‌های مالی بود که هیتلر توانست دست به انتشار نخستین روزنامه برای حزب خود بزند. اشتنگل در کودتای ناموفق هیتلر در سال ۱۹۲۳ نیز شرکت داشت. در حالی‌که پس از شکست کودتا او توانست به شهر سالزبورگ بگریزد، هیتلر خود را در خانه نیلاقی اشتنگل مخفی کرد.

این دو نمونه نشان‌دهنده استقبال پرشوری است که سرمایه‌داران و ثروتمندان آن روز از ظهور هیتلر در صحنه سیاسی المان به عمل می‌آوردند. آنها با کمک‌های مالی، هیتلر و حزب او را در مبارزه علیه احزاب چپ و علیه نظام دموکراتیک جمهوری وایمار تقویت می‌کردند. «خانواده‌های مرفه خوشحال بودند که هیتلر قادر است کاری را انجام دهد که خود آنها توانائی آن را نداشتند یعنی به محافل اقشار پائین جامعه راه یابد و با نفوذ سوسیال دموکرات‌ها در میان آن اقشار مقابله کند»^۲. به کمک همین رابطه‌ها در بین ثروتمندان و سرمایه‌داران بود که هیتلر توانست با موسولینی ارتباط برقرار کند.

نقش صاحبان صنایع بزرگ در قدرت گرفتن هیتلر

بسیاری از پژوهش‌گران تاریخ المان، سال ۱۹۲۹ را سالی تعیین‌کننده در به قدرت رسیدن نازی‌ها می‌دانند: «آنها معتقدند که در این سال هیتلر به این نتیجه رسید که صاحبان صنایع حاضر هستند در سیاست‌های ضد دموکراتیک و ضد سندیکا‌های کارگری او سرمایه‌گذاری کنند.»^۳ پس از شکست سخت در انتخابات سال ۱۹۲۸ هیتلر و حزب نازی به تجزیه و تحلیل دلایل شکست پرداختند و به این نتیجه رسیدند که برای موفقیت‌های آتی لازم است تا مقبولیت بیشتری میان کلان‌سرمایه‌داران و صاحبان صنایع پیدا کنند.

یکی دیگر از سرمایه‌دارانی که به یاری هیتلر شتافت امیل کردورف نام داشت. او که از سال ۱۸۹۳ تا ۱۹۲۶ سمت مدیرعاملی یکی از بزرگ‌ترین صنایع ذغال سنگ المان را بر عهده داشت، به ضدیت با اصول دموکراتیک جمهوری وایمار و سندیکا‌های کارگری معروف بود. او در سال ۱۹۲۷ با هیتلر ملاقات کرد و به سرعت به یکی از مهم‌ترین پشتیبانان مالی هیتلر تبدیل شد. او به عنوان میهمان در کنگره حزب نازی که در سال ۱۹۲۹ در شهر نورنبرگ تشکیل شده بود، شرکت کرد. کردورف از نفوذ خود در میان صاحبان صنایع المان استفاده کرد تا بتواند هیتلر را به آنها معرفی

کند و همکاری و پشتیبانی آنها را در جهت به قدرت رساندن هیتلر جلب نماید. به همین منظور و به ابتکار او هیتلر در نامه‌ای خطاب به صاحبان صنایع خطمشی خود را تشریح کرد و خواهان کمک آنها شد. در ماه اکتوبر سال ۱۹۲۷ چهارده تن از صاحبان صنایع آلمان در منزل کوردورف با هیتلر ملاقات کردند. اتحاد با صاحبان صنایع و کمک‌های مالی آنها عامل مهمی در کسب آرای بالای نازی‌ها در انتخابات سال ۱۹۳۰ پارلمان آلمان به شمار می‌رود.

علاوه بر نمونه‌هایی که ذکر شد، رابطه نزدیک میان هیتلر و کلان سرمایه‌داران و زمینداران البته پوشیده نمانده و در برخی از آثار پژوهش‌گران این دوره تشریح شده‌اند. یکی از این آثار کتابی است به نام لیبرالیسم، فاشیسم، اینتگراسیون به نگارش راینهارد اوپنیزر جامعه‌شناس آلمانی که در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است.^۴ در این کتاب روابط میان مدیران بانک‌ها و صنایع بزرگ و هیتلر و حزب او عریان می‌شوند. اوپنیزر در این اثر نقش مهمی که ساخت در حمایت مالی از هیتلر و کمک در به قدرت رسیدن او ایفا کرده بود را بخوبی روشن می‌کند.

یالمار ساخت یکی از چهره‌های مهم در اقتصاد آلمان بود که نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان حزب نازی و صاحبان صنایع بزرگ آلمان در آن دوران ایفا کرد. ساخت در دوران جمهوری وایمار و پیش از به قدرت رسیدن هیتلر عضو هیأت مدیره تعدادی از مهم‌ترین بانک‌های آلمان بود و همچنین ریاست بانک مرکزی آلمان را برعهده داشت و بدین وسیله توانسته بود ارتباط بسیار نزدیکی با مدیران عالی‌رتبه صنایع بزرگ آلمان برقرار کند. در دوران رشد نازی‌ها، نخستین تماس‌ها میان ساخت و رهبران حزب نازی برقرار می‌شود. ساخت پس از نخستین آشنائی با هرمان گورینگ در سال ۱۹۳۰ در یک میهمانی با یوزف گوبلز و آدولف هیتلر آشنا می‌شود و بسیار تحت تأثیر هیتلر قرار می‌گیرد. هرمان گورینگ و یوزف گوبلز از رهبران حزب نازی و بسیار به هیتلر نزدیک و مورد اعتماد او بودند. ساخت سپس به حلقه طرفداران حزب نازی می‌پیوندد و از نفوذ خود در میان مدیران و صاحبان صنایع بزرگ آلمان در به قدرت رساندن هیتلر استفاده می‌کند. در سال‌های نخست دهه ۱۹۳۰ که آلمان دچار یک بحران سیاسی شده بود، ساخت به همراه ۲۰ نفر از مدیران بانک‌ها، بزرگ مالکان و صاحبان صنایع بزرگ در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور وقت، هیندین بورگ، حمایت خود را از صدراعظمی هیتلر اعلام نمود. باید توجه داشت که در آن زمان آلمان دچار یک بحران سیاسی شده بود و رئیس جمهور هیندین بورگ در تنفیذ مقام صدر اعظمی به هیتلر بسیار تردید داشت.

هیتلر پس از احراز سمت صدراعظمی ساخت را مجدداً به سمت ریاست بانک مرکزی آلمان برگمارد. در طرحی که هیتلر برای رشد صنایع نظامی در سر داشت، نقش مهمی به ساخت به عنوان رئیس بانک مرکزی داده شد. ساخت یکی از معماران اصلی ایجاد ساختار مالی لازم برای تولید صنایع نظامی در آلمان بود. در سال ۱۹۳۷ ساخت رسماً به عضویت حزب نازی‌ها درآمد. در سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ ساخت سمت وزارت اقتصاد آلمان را عهده‌دار بود.

اوپنیزر در اثر خود همچنین به جلسه بسیار مهم دیگری اشاره می‌کند که در باشگاه صنایع شهر دوسلدورف آلمان یک سال پیش از به قدرت رسیدن هیتلر و به دعوت و شرکت مدیران صاحب نام صنایع بزرگ آلمان با حضور هیتلر برگزار شد. هیتلر در سخنرانی خود پس از تشریح برنامه حزب نازی برای صاحبان صنایع بزرگ آلمان، با تأکید بر خطر بلشویسم، از بین بردن نظام پارلمانی را به عنوان شرط لازم برای حل بحران اقتصادی مطرح کرد. طبق گزارش پولیس شهر دوسلدورف تقریباً تمام مدیران صنایع بزرگ در این جلسه شرکت داشتند و نظرات هیتلر را مورد تشویق و تأیید قرار دادند.

طبق اطلاعات درج شده در این کتاب در فاصله یک ماه پیش از به قدرت رسیدن هیتلر، بیش از ده دیدار مخفیانه میان هیتلر و دیگر رهبران حزب نازی با تقریباً تمام نمایندگان اقتصاد آلمان صورت گرفت.

با توجه به این داده‌ها، پرسش‌هایی مطرح می‌شود: هدف از این دیدارها و جلسات چه بوده است؟ چه منافع و علائق مشترکی برای توجیه این جلسات وجود داشت که طرفین حاضر بودند ساعات زیادی از وقت خود را صرف آن کنند؟ چه مسائلی در این جلسات چند ساعته مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گرفت؟ چرا طرفین تلاش می‌کردند تا این جلسات تا حد ممکن مخفی بماند و انعکاس بیرونی نداشته باشد؟

در پاسخ می‌دانیم که هیتلر می‌کوشید تا هم خود و هم حزبش را طرفدار کارگران نشان دهد و به همین دلیل عنوان حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان را برای حزب خود انتخاب کرده بود. باید چنین قلمداد می‌شد که حزب او هم ملی و هم طرفدار کارگران است. در کتاب معروف نبرد من، این طرفداری از کارگران بسیار پُر رنگ بیان شده بود. هیتلر در حقیقت با گام‌های بسیار سنجیده در حال آماده کردن مراحل به قدرت رسیدن خود بود. او بخوبی می‌دانست که برای به قدرت رسیدن به منابع مالی و پشتیبانی صاحبان صنایع بزرگ آلمان نیاز دارد. در عین حال او با تردستی بسیار می‌کوشید تا این نزدیکی به صاحبان سرمایه را از دید کارگران آلمان مخفی نگاه دارد تا بتواند همچنان چهره‌ی موجهی به خود بگیرد و شعارهای عوام‌فریبانه‌ی خود را به آنها بقبولاند. از سوی دیگر کلان سرمایه‌داران آلمان نیز نمی‌توانستند از برنامه‌ی اقتصادی هیتلر که مبتنی بر سرکوب سندیکاها و احزاب چپ و همچنین گسترش بازار برای سرمایه‌داران آلمان بود، خرسند نباشند.

پس از سرنگونی رژیم هیتلر در سال ۱۹۴۵ تلاش به منظور مخفی نگاه داشتن رابطه میان هیتلر و کلان سرمایه‌داران آلمان همچنان ادامه یافت. بدین ترتیب می‌توان دریافت که چرا در اکثر قریب به اتفاق فلم‌ها و نوشته‌هایی که در مورد آن دوران تولید و منتشر شده‌اند، از این رابطه سخنی به میان نمی‌آید. با این وجود برخی از چهره‌های شاخص صنایع بزرگ آلمان چنان به هیتلر و حزب او نزدیک بودند که دیگر هیچ گونه پرده پوشی در این موارد امکان پذیر نیست. یکی از این چهره‌ها فریتس تیسن از خانواده‌ی با نفوذ تیسن آلمان و از صاحبان صنایع فولاد تیسن یکی از بزرگترین کنسرن‌های آلمان بود. تیسن از نخستین صاحبان صنایع بود که رسماً و علناً طرفداری خود را از هیتلر اعلام داشت و از همان سال ۱۹۲۳ شروع به کمک به هیتلر نمود و در بسیاری از پروژه‌های او سرمایه‌گذاری کرد. او در سال ۱۹۳۱ رسماً به عضویت حزب نازی درآمد. او حتی یکی از دفاتر خود را در اختیار هیتلر قرار داده بود تا از آنجا برای کارگران کارخانه تبلیغات انتخاباتی انجام دهد. پس از به قدرت رسیدن هیتلر، منصب مهم‌تری در اختیار تیسن قرار گرفت و به عنوان نماینده‌ی حزب نازی در پارلمان آلمان جا داده شد. باید خاطر نشان کرد که سخنرانی هیتلر در باشگاه صنایع شهر دوسلدورف به ابتکار تیسن صورت گرفت. ۵ تیسن در سال ۱۹۳۹ پس از اختلاف‌هایی که با هیتلر پیدا کرد از آلمان مهاجرت کرد و در سال ۱۹۴۱ کتابی از او به زبان انگلیسی در لندن و نیویورک منتشر شد تحت عنوان «من به هیتلر پول دادم».

نمونه‌ی دیگر از کلان سرمایه‌داران صنعتی هرمان روشلینگ، صاحب یکی از بزرگترین صنایع ذغال سنگ و فولاد آلمان در اوایل قرن بیستم در منطقه‌ی «سار» در مرز فرانسه بود و به همین دلیل بارون فولاد نامیده می‌شد. روشلینگ که در آن زمان عضو هیأت رئیسه‌ی چندین مؤسسه بزرگ تولید ذغال سنگ و فولاد بود، در سال ۱۹۳۵ رسماً به عضویت حزب نازی درآمد. روشلینگ از افراد بسیار مورد اعتماد هیتلر به شمار می‌رفت و هیتلر در یک ضیافت نهار، شخصاً از خدمات او قدردانی کرد. در سال‌های جنگ جهانی دوم روشلینگ مسئولیت هماهنگی صنایع آهن و فولاد در سراسر آلمان و مناطق اشغالی را بر عهده داشت.

یکی دیگر از آثاری که در این زمینه نگاشته شده، کتابی است به قلم تاریخدان انگلیسی آدام توز، تحت عنوان «اقتصاد نابودسازی؛ برپایی و فروپاشی اقتصاد نازی‌ها» که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است. ۶ توز در این کتاب نشان می‌دهد

که همه تصمیمات هیتلر با انگیزه‌های اقتصادی همراه بوده است. توز به عنوان مثال به جلسه‌ای اشاره می‌کند که یک ماه پس از به قدرت رسیدن هیتلر با شرکت ۲۵ تن از صاحبان صنایع المان در دفتر کار هرمان گورینگ، یکی از وزرای کابینه هیتلر، برگزار شد. هدف هیتلر از این جلسه که به صورت مخفیانه تدارک دیده شده بود، تشریح سیاست آتی خود برای صاحبان صنایع المان بود. در میان حاضران اشخاص صاحب نامی همچون رؤسای چندی از بزرگترین مؤسسات صنایع آهن و فولاد جهان از جمله مؤسسه کروپ، چند تن از مدیران زمینس و همچنین رئیس بانک مرکزی المان و رئیس اتاق صنایع و معادن المان نیز حضور داشتند. توز سپس با استناد به اسناد تاریخی مباحث این جلسه را تشریح می‌کند:

«جلسه با سخنان گورینگ آغاز شد و پس از قدری تأخیر شخص هیتلر در جلسه حضور یافت و طی یک سخنرانی مفصل حاضران را با اهدافی که برای آینده المان در نظر داشت، آشنا کرد. هیتلر با اشاره به تجربیات سال‌های پس از پایان جنگ جهانی اول و جمهوری وایمار به حاضران خاطرنشان کرد که دموکراسی زمینه خوبی برای رشد بخش خصوصی نیست. به نظر او دموکراسی لاجرم به سوسیال دموکراسی و کمونیسم منجر می‌شود و به همین دلیل خواهان از بین بردن همه نیروهای چپ در المان است و برای رسیدن به این هدف به کمک صاحبان صنایع نیاز دارد تا بتواند اکثریت کرسی‌ها را در پارلمان المان صاحب شود. سپس گورینگ سخنان هیتلر را جمع‌بندی کرد و بیان داشت که هیتلر در سخنان خود به خوبی ثابت کرد که نابودی چپ در المان به نفع صاحبان صنایع المان است. به همین دلیل از صاحبان صنایع انتظار می‌رود که سهم خود را در این مورد ادا کنند. سپس نوبت به آقای کروپ رسید که به نمایندگی از سوی جمع سخن می‌گفت. او گفت که حاضران بر حل عاجل وضعیت سیاسی موجود اتفاق نظر دارند. با این سخنان کروپ حمایت صاحبان صنایع را از اهداف هیتلر اعلام داشت.»

پس از آن که هیتلر و گورینگ جلسه را ترک کردند، ساخت، رئیس بانک مرکزی المان، پیشنهاد ایجاد یک صندوق کمک به انتخابات حزب هیتلر را به مبلغ ۳ میلیون مارک ارائه کرد. در طول ۳ هفته پس از این پیشنهاد، از ۱۷ گروه کمک‌های مالی دریافت شد. بزرگترین کمک‌ها مربوط به دویچه بانک (۲۰۰ هزار مارک) و گروه صنایع معدنی (۴۰۰ هزار مارک) بود. این کمک‌های مالی برای موفقیت در انتخابات پیش رو برای هیتلر که در وضعیت مالی نامناسبی قرار داشت بسیار تعیین کننده بودند.

این‌ها تنها چند نمونه از کمک‌های کلان سرمایه‌داران المان به هیتلر در مسیر به قدرت رسیدن او و رژیم او بودند. البته پشتیبانی و همدلی با هیتلر از المان فراتر می‌رفت و بودند سیاستمداران و کلان سرمایه‌دارانی که از دیگر نقاط جهان کمک‌های قابل ملاحظه‌ای به او کردند. در کتابی تحت عنوان تردستی هیتلر که به قلم گیدو پره پاراتا در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است ۷ نویسنده ایتالیایی - آمریکایی با ارائه اسناد نشان می‌دهد که افرادی در آمریکا و انگلستان نیز از حامیان هیتلر بودند. این اقتصاددان آمریکایی به عنوان مثال از هنری فورد، صاحب کارخانجات عظیم فورد نام می‌برد و گوشه‌هایی از حمایت او از هیتلر و رژیم او را نشان می‌دهد. البته پرداختن به این بُعد، یعنی حمایت کلان سرمایه‌داران در سطح جهان از هیتلر نیازمند فرصت دیگری است که امیدواریم در آینده دست دهد.

منابع:

1. Prof. Dr. Daniel Koerfer: Millionen stehen hinter mir.
2. Hitlers politische Lehrjahre und die Münchener Gesellschaft 1919-1923

3. Peter d. Stachura: Der kritische Wendepunkt? Die nsdap und die Reichstagswahlen vom 20. Mai 1928.
4. Reinhard Opitz: Liberalismus, Faschismus, Integration.
5. VVN/BdA NRW Rallye Spurensuche Verbrechen der Wirtschaft 1933-1945
6. J. Adam Tooze: The Wages of Destruction: The Making and Breaking of the Nazi Economy
7. Guido Giacomo Preparata: Conjuring Hitler?

دانش و امید، شماره ۸، آبان [عقرب] ۱۴۰۰